

کابل شهری با تاریخی کهن

شهر کابل در تاریخ پر فراز و نشیب خود پادشاهان و حکمرانان مختلفی را به خود دیده و به دلیل موقعیت خاص خود شهر مورد توجه و نفوذ ملل مختلف دنیا قرار داشته است.



-
-
-

به گزارش خبرنگار دفتر منطقه‌ای خبرگزاری فارس، «کابل» نامی است که از زمان «اسکندر مقدونی» بر شهری که اکنون پایتخت افغانستان است اطلاق شده است.



آنگونه که «غلام محمد غبار» در کتاب «جغرافیای تاریخی افغانستان» نوشته است، کابل به شهری اطلاق می‌شد که غالباً مرکز تمدن و سلطنت پادشاهان با اقتداری بود و شهر کابل از عصرهای زیادی حتی زمان اسکندر مقدونی در صحنه حیات موجود بوده است.

کابل از زمان «اسکندر» تا ظهور اسلام

مورخان زمان اسکندر از کابل به طور مکرر نام برده‌اند و جغرافیای «بطلیموس» از کابل بنام «کابوره» و «اورتوسپانه» یاد کرده است.

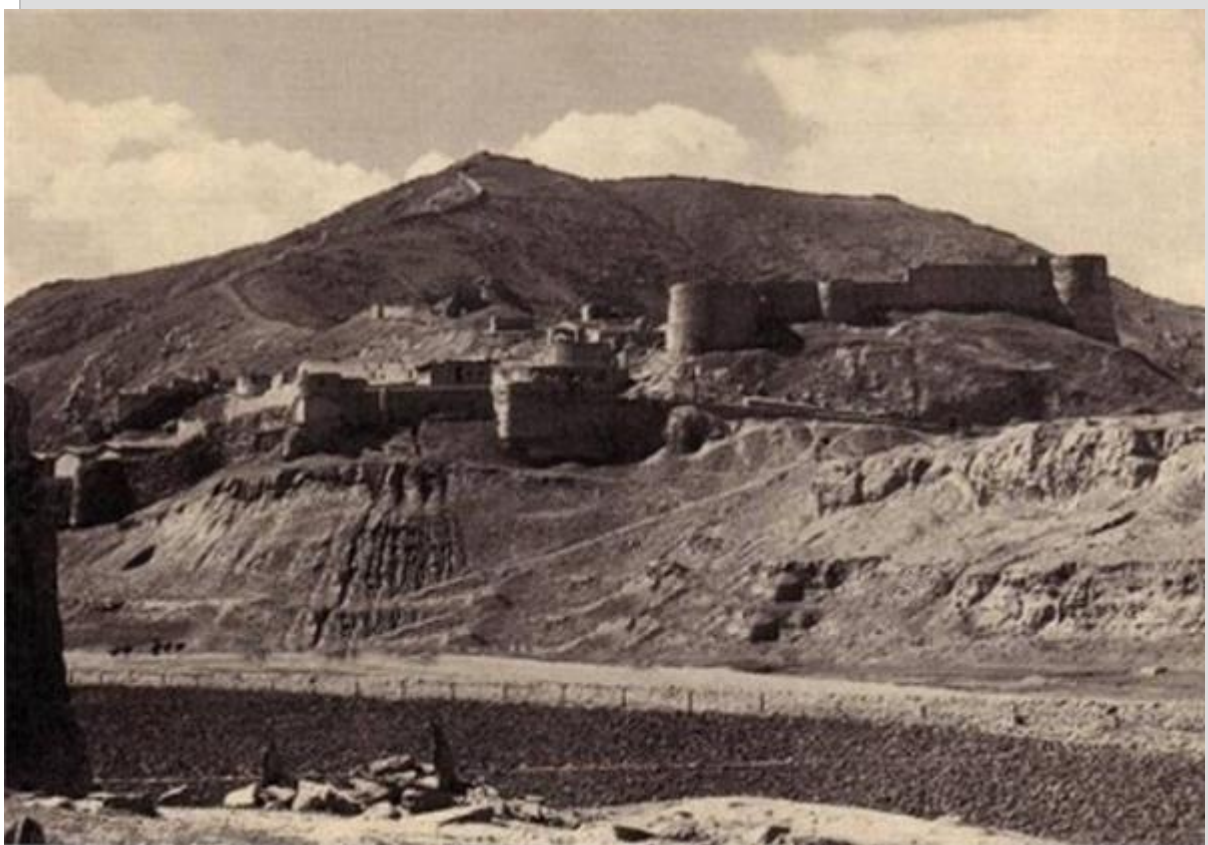
«محمد آصف آهنگ» نویسنده افغان در کتاب «کابل قدیم»، در مورد شهر کابل نوشته است که این شهر در عهد قدیم با «کارورا» و «کابورا» نیز یاد می‌شده است.

از نظر جغرافیایی نیز این شهر در یکی از حوزه‌های مسطح مرتفع جنوب کوه‌های «هندوکش» واقع شده و از نظر ژئولوژیک موقعیت و ساختمان آن در اثر تحقیقاتی که صورت گرفته به سلسله جبال هندوکش مرتبط است.

بعد از عصر یخبندان، کابل آهسته آهسته به فلات کشاورزی تبدیل شد و رسوبات برجای مانده حاصل‌خیزی بیشتری به نواحی مختلف کابل بخشید.

سلسله کوها و تپه‌هایی که بر اثر عصر یخبندان سوم در شهر کابل بوجود آمده، کوه «آسمایی» و «شیر دروازه» است.

تپه مرنجان، تپه «بالاحصار»، تپه «قلعه بلند»، تپه «بی بی مهر» و تپه «کوله پشته» همه در عهد سوم زمین‌شناسی به میان آمده‌اند.



تپه بالا حصار کابل

کابل از دوران قبل از اسلام، معبر فاتحان و مهاجمان بزرگ بوده است و این شهر مورد توجه و نفوذ ملل مختلف دنیا قرار داشته است.

طبق نوشته غلام محمد غبار، کابل نظر به موقعیت و مکان خویش از ابتدا مرکز تجارت 2 مرکز عمده آسیا یعنی هندوستان و ترکستان بوده است و به قول «هرودت» مورخ یونان، مال التجاره کابل در تمام بازارهای یونان و روم مشتری داشته است.

کابل در عهد یونانی‌ها

در حدود 2 و نیم قرن پیش از میلاد یعنی پس از اسکندر، مدنیت و اقتصاد کابل در حال ترقی و پیشرفت بود.

پس از آغاز قرن اول پیش از میلاد که دولت یونانیان در «بلخ» رو به انحطاط و انقراض گذاشت، دولت آنها در منطقه جنوب هندوکش استقرار یافت و این امر به رشد و مدنیت کابل بیشتر افزود و این تمدن تا بلاد «غزنی» و «بست» و «سیستان» و سواحل «سند» امتداد یافت.



سر ستون کرینتی متعلق به سده دوم پیش از میلاد

طبق تحقیقات «فوشه» باستان‌شناس فرانسوی که آثار دوره یونانیان را در موزه کابل بررسی کرده است، «هرمایوس» آخرین پادشاه یونانی در آغاز سده اول بعد از میلاد بر شهر کابل حکومت داشته است.

سکه‌های یونانی در کابل

طبق بررسی‌های فوشه، که غلام محمد غبار و «احمد علی کهزاد» 2 تن از مورخان افغانستان نیز به آن استناد کرده‌اند، مسکوکات یونانی در افغانستان نشان از آن دارد که در اواخر حکومت یونانیان در کابل، در یک روی سکه‌ها حروف یونانی و در روی دیگر آن حروف «آریانه» ثبت می‌شده است.



مجسمه شاهدخت باختری متعلق به هزاره دوم پیش از میلاد

غبار معتقد است که حروف آریانه، «پهلوی» و «سانسکریت» نیست و اگر نوشته‌های تخت رستم در مرکز افغانستان، با نوشته‌های برجای مانده در کابل و «جلال‌آباد» مقایسه شوند، معلوم می‌شود که نوشته‌های مسکوکات زبان آریایی است که زمانی از کوه‌های هندوکش تا جوار «پرسپولیس» رواج داشته است.

کابل در عهد کوشانی‌ها

پس از زوال یونانیان و تا زمان ظهور اسلام، حکومت‌های مختلفی در شهر کابل حکومت کردند؛ نخست سلسله کوشانیان هستند که از مناطق «طخارستان» و «بدخشان» و «قطغن» بودند.

سلسله کوشانی‌ها از نظر مذهب بودایی بودند و تا قرن پنجم قبل از میلاد ساکنان شهر کابل بودند.



لوحه‌ای متعلق به سده دوم پیش از میلاد

آن گونه که در کتاب «افغانستان در پرتو تاریخ» اثر «احمد علی کهزاد» و کتاب «جغرافیای عمومی افغانستان» آمده است، مسکوکات «تابیکی مالیک» پادشاه کوشانی کابل در قرن پنجم قبل از میلاد در موزه کابل موجود است.



سنگ‌نوشته رباطک به زبان باختری و خط یونانی، از دوران کانیسکا

در زمان کوشانی‌ها شهر کابل علاوه بر پیشرفت قابل توجهی که در زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی داشت به یک مرکز مذهبی نیز تبدیل شد و میان کابل و شهرهای همجوار آن مثل بلخ و «بامیان» یک نوع رابطه مذهبی برقرار شد.

کابل و حکومت‌های محلی تا ظهور اسلام

در قرن پنجم قبل از میلاد، سلسله کوشانی‌ها از مناطق هندوکش و شهر کابل توسط سلسله «یفتاله» به طرف بلخ رانده شدند و سلطنت آنها در کابل پایان یافت.

سلسله «یفتاله» که مورخین عرب آنها را «هیطاله» نیز گفته‌اند ابتدا در بلخ به تشکیل حکومت پرداختند و به تدریج سایه قدرت خود را در سلسله جبال هندوکش و شهر کابل نیز گسترش دادند.

بر اساس منابع تاریخی تا نیمه قرن ششم سلسله یفتاله در کابل حکومت می‌کردند که در این زمان با یورش مشترک ترکان و ساسانیان فارس، به عمر حکومت یفتاله‌ها پایان داده شد.



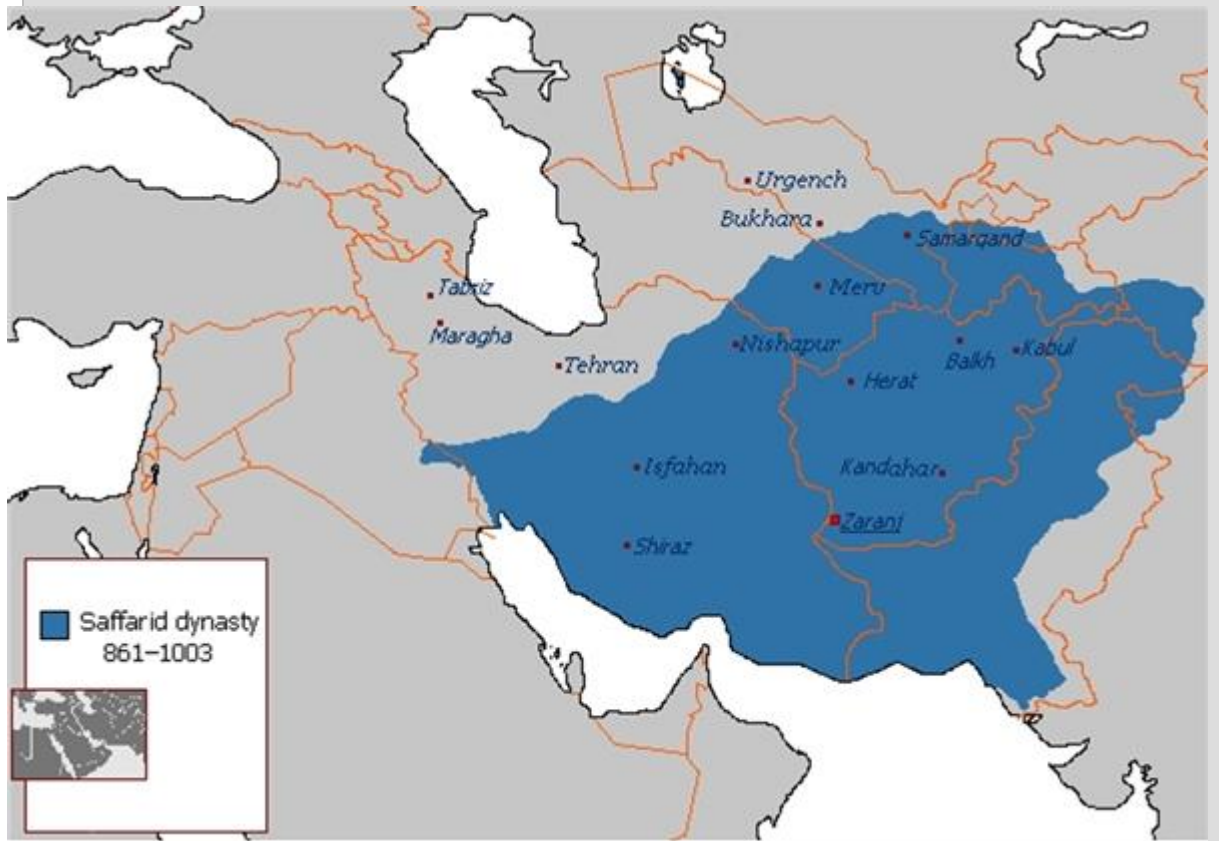
کابل قدیم

هر چند که قدرت ترکان و ساسانیان در این زمان به قدری گسترش یافت که آنها بر 27 ولایت در آن زمان حکومت می‌کردند، ولی نتوانستند سایه قدرت خود را در شهر کابل نیز گسترش دهند.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری فارس در کابل، با ظهور اسلام، مسلمانان در سال 81 هجری کابل را تصرف کردند و شاه کابل به «گردیز» فرار کرد و پس از مدتی تجدید قوا نموده و دوباره به کابل بازگشت.

شهر کابل پس از ظهور اسلام نیز توسط حکومت‌های بومی و محلی اداره می‌شد و این وضع تا زمان حکومت «صفاریان» نیز ادامه داشت.

گستره حکومت صفاریان



طبق نوشته «غلام محمد غبار» در کتاب «جغرافیای عمومی افغانستان»، تا زمان صفاریان هیچ یک از فاتحان عرب به فتح حقیقی کابل و بلاد «هندوکش» کامیاب نشدند که بتوانند بر کابل حکومت کنند و مردم این شهر خود به تدریج به دین اسلام گرویدند.

پس از شکست «امویان»، شهر کابل توسط حاکمان محلی که تحت حمایت مسلمانان بودند اداره می‌شد و این وضعیت تا زمان حکومت صفاریان ادامه داشت.

کابل در تصرف صفاریان

در این دوره اعراب به گرفتن خراج از شاه کابل قناعت کردند و فقط «یعقوب لیث» مؤسس سلسله صفاریان در قرن نهم بعد از میلاد توانست در نتیجه جنگ‌های سختی که انجام داد، «زابلستان»، «غزنی»، «بلخ» و «کابل» را ضمیمه ممالک اسلامی کند و همین یعقوب بود که از پادشاه گردیز خراج گرفت.

به تدریج حکومت صفاریان در کابل رو به ضعف نهاد و پس از روی کار آمدن سلسله غزنویان در سال 344 هجری، کابل به تصرف غزنویان در آمد.

کابل از غزنویان تا «بایر شاه»

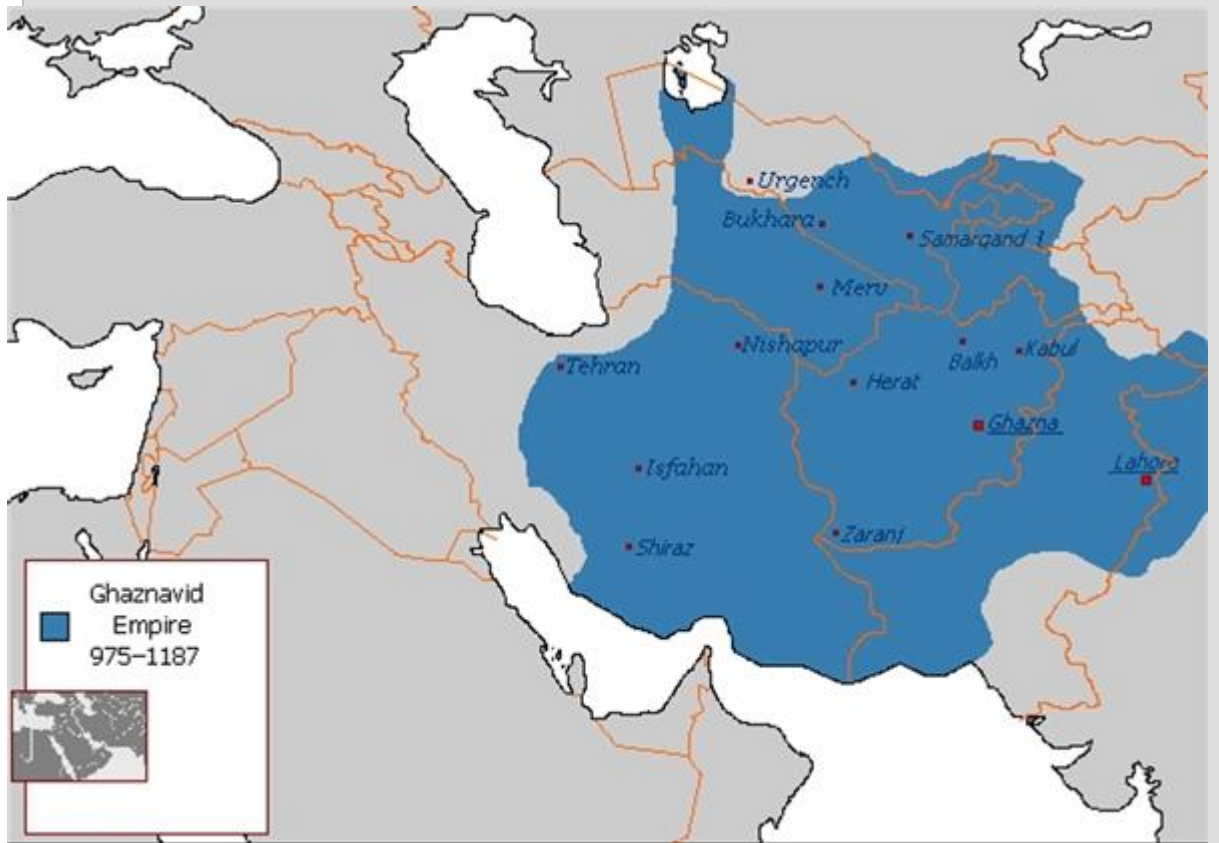
با توجه به اینکه غزنویان شهر غزنی را به عنوان پایتخت خود انتخاب کرده بودند، به تدریج از اهمیت شهر کابل کاسته شد و شکوه گذشته خود را از دست داد و این روند در زمان حکومت تیموریان که پایتخت آنها هرات بود، نیز تکرار شد.

سکه دوره غزنویان که به نام سلطان مسعود غزنوی ضرب شده است

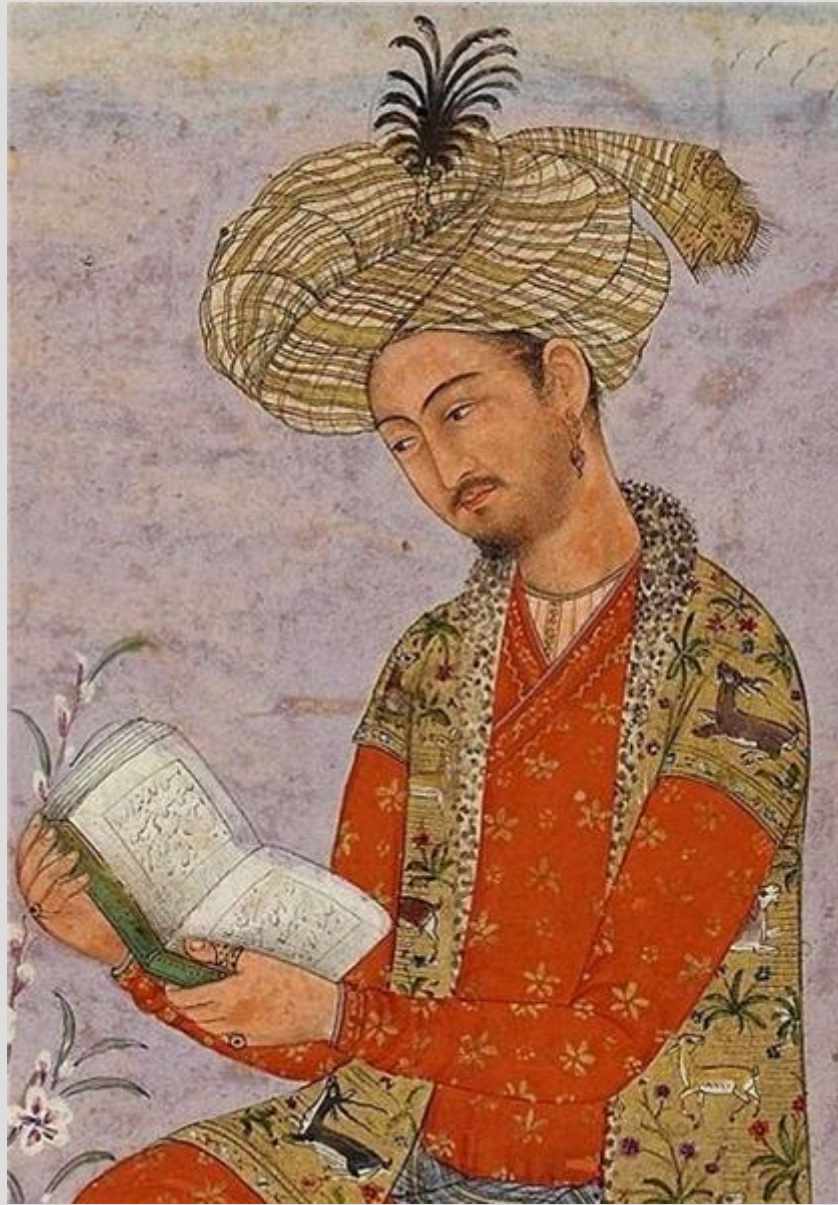


پس از سقوط تیموریان، بابر شاه بر کابل مسلط شد و دوباره این شهر پایتخت شد و تا سال 923 هجری همچنان پایتخت بود.

گستره حکومت غزنویان



در این زمان کابل رونق تازه‌ای پیدا کرد و آنگونه که در کتاب کابل قدیم نوشته شده است، بعد از ازدواج پادشاه، با دختر «سید مهدی آتش نفس» که از زمره پیشوایان روحانی کابل بود، دیوارها و حصارهای شهر کابل را ترمیم کرد و در سرسبزی شهر توجه زیاد داشت، به علاوه باغ‌های کابل 2 باغ بزرگ «جهان آرا» و «شهر آرا» نیز در همین دوران به وجود آمد.

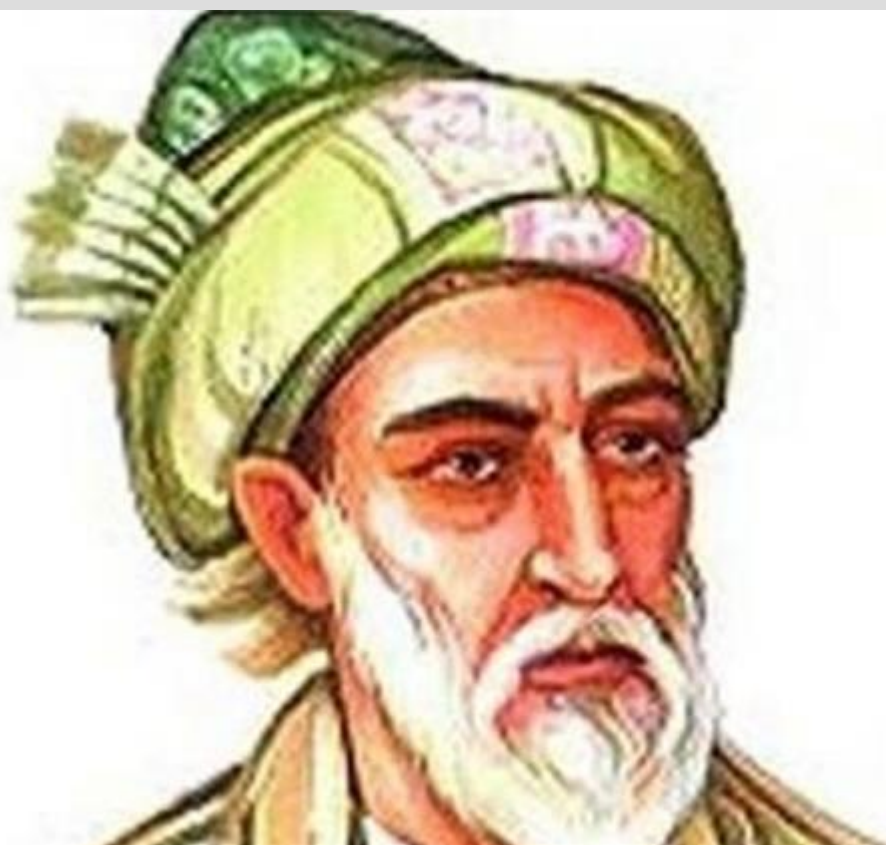


بابر شاه

طبق نوشته «آصف آهنگ» در کتاب کابل قدیم، زمانی که «تیمورشاه» پایتخت را از «قندهار» به کابل انتقال داد، شهر کابل مرکز قدیم «کابلستان» یکبار دیگر سر از خواب گران چندین قرنه بلند کرد و به جنب و جوش افتاد.

کابل در شعر صائب تبریزی

کابل در زمان مغولان هند از شهرهای زیبای افغانستان بوده و شکارگاه شاهان مغولیه و پایتخت تابستانی «بابر» مؤسس دولت «مغولیه» هند بود.



زیبایی کابل به حدی بود که، «صائب تبریزی» شاعر معروف قرن یازدهم وقتی به دعوت شاه مغول راهی هند شد، از طریق کابل به آنجا رفت و چندی در کابل مهمان بود، وی یک قصیده خواندنی در وصف کابل سرود:

خوشا عشرت سرای کابل و دامان کهسارش

که ناخن بر رگ گل میزند مژگان هر خارش

خوشا وقتی که چشم بر جیبینش خوشه چین گردد

شوم چون عاشقان و عارفان از جان خریدارش

چه موزون است یا رب تاق ابروی پل مستان

خدا از چشم شوخ زاهدان بادا نگهدارش

حصار مارپیچش اژدهای گنج را ماند

ولی ارزد به گنج شایگان هر خشت دیوارش

حساب مه جبینان لب بامش که میداند

دو صد خورشید رو افتاده در هر پای دیوارش

به روز عید می‌خندد گل رخساره صبحش

به شام قدر پهلو می‌زند زلف شب تارش

کابل در این دوران از بهترین شهرهای منطقه بود و چنان که دیدیم، صائب تبریزی قصیده معروفی در وصف آن سروده است.

به گزارش خبرنگار دفتر منطقه‌ای **خبرگزاری فارس**، در زمان حکومت درانی‌ها کابل به عنوان پایتخت افغانستان انتخاب شد و تاکنون نیز پایتخت افغانستان باقی مانده است.

کابل و سلطنت سلسله درانی‌ها

برای اولین بار که کابل به عنوان پایتخت افغانستان کنونی اعلام شد در زمان سلطنت درانی‌ها، بود که تا به امروز نیز همچنان پایتخت افغانستان است.

در زمان حکومت «احمدشاه درانی»، دور کابل دیوار کشی شد و آنگونه که «علی اکبر فیاض» در کتاب «تاریخ معاصر افغانستان» نوشته است: احمدشاه چون از اهمیت سوق‌الجیشی کابل از طریق لشکرکشی‌های خود به هند آگاهی داشت، کار استحکام این شهر را در دست اقدام قرار داد و در سال 1166 هجری دستور داد تا حصارهای قدیم شهر را که به مرور زمان رو به ویرانی نهاده بود، تعمیر کنند.



تیمورشاه درانی

پس از احمدشاه نوبت به فرزند او «تیمورشاه درانی» رسید، وی 22 سال در افغانستان حکومت کرد و در سال نخست سلطنت خویش پایتخت را از «قندهار» به کابل منتقل کرد.



آمدن تیمورشاه به کابل و موفقیت نهایی او در این شهر باعث شد که وی در کابل بماند و این شهر پایتخت سلسله سدوزایی ها گردد.



محلّه‌ها و خیابان‌های جدید در شهر کابل در زمان تیمورشاه به وجود آمد و نظر به خصوصیات مردم کابل، هرگاه مردان برای جنگ به خارج شهر اعزام می‌شدند، ریش سفیدان و زنان شهر از محلّه‌ها و خیابان‌ها محافظت می‌کردند.



آن گونه که در کتاب کابل قدیم آمده است، کوچه‌ها و پس کوچه‌های شهر به شکلی ساخته شده بود که بیگانگان جرأت ورود به محلات را نداشتند.

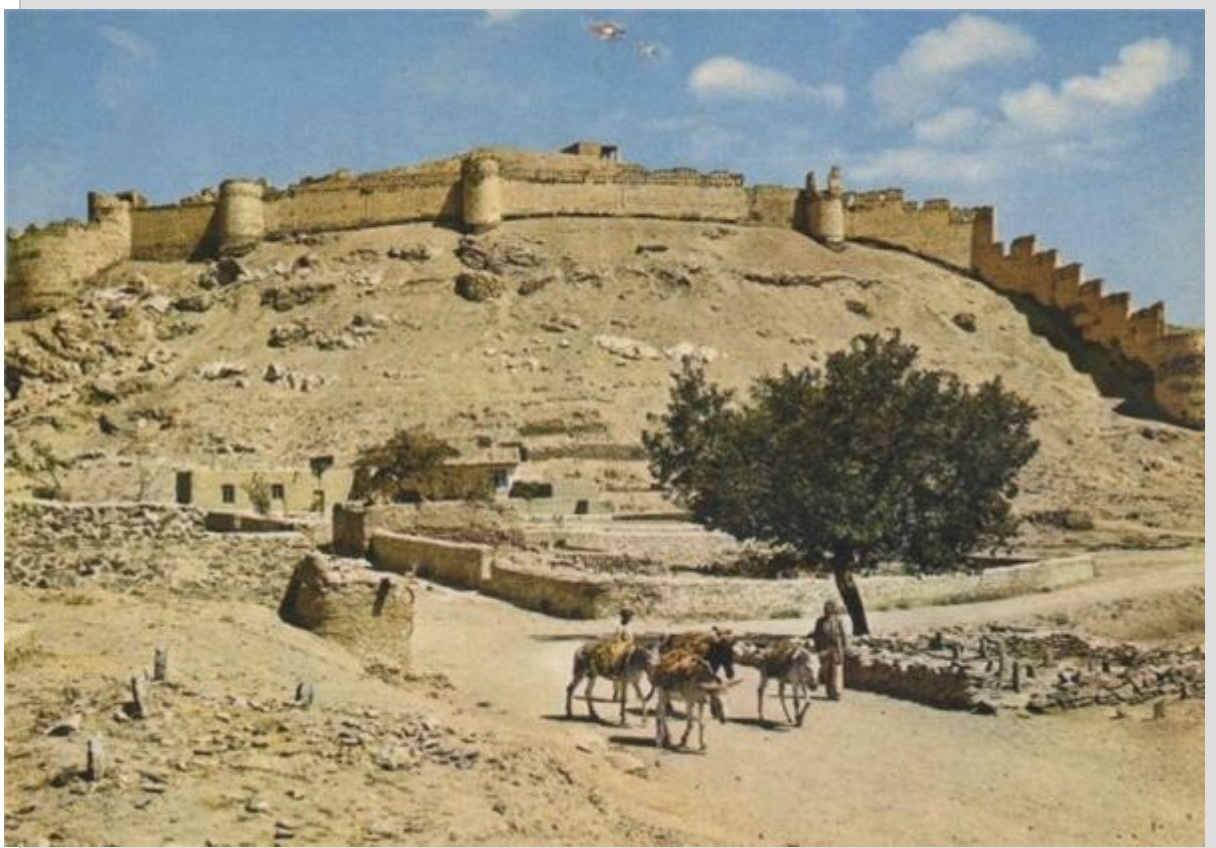
کوچه‌ها و پس کوچه‌های شهر کابل تنگ و تاریک بودند و اگر فردی با آنها آشنایی نداشت راهش را گم می‌کرد.

پس از مرگ تیمورشاه، کابل در جنگ‌های داخلی بین برادران سدوزایی‌ها و بارکزی‌ها آسیب فراوان دید و از تعرض و تجاوز انگلیسی‌ها نیز صدمات جبران ناپذیری برداشت.



پس از مرگ تیمور تا زمان به قدرت رسیدن امان‌الله خان، حکومت‌های وقت نتوانستند شکوه گذشته کابل را به آن برگردانند و آثار تاریخی آن را ترمیم و حفظ کنند.

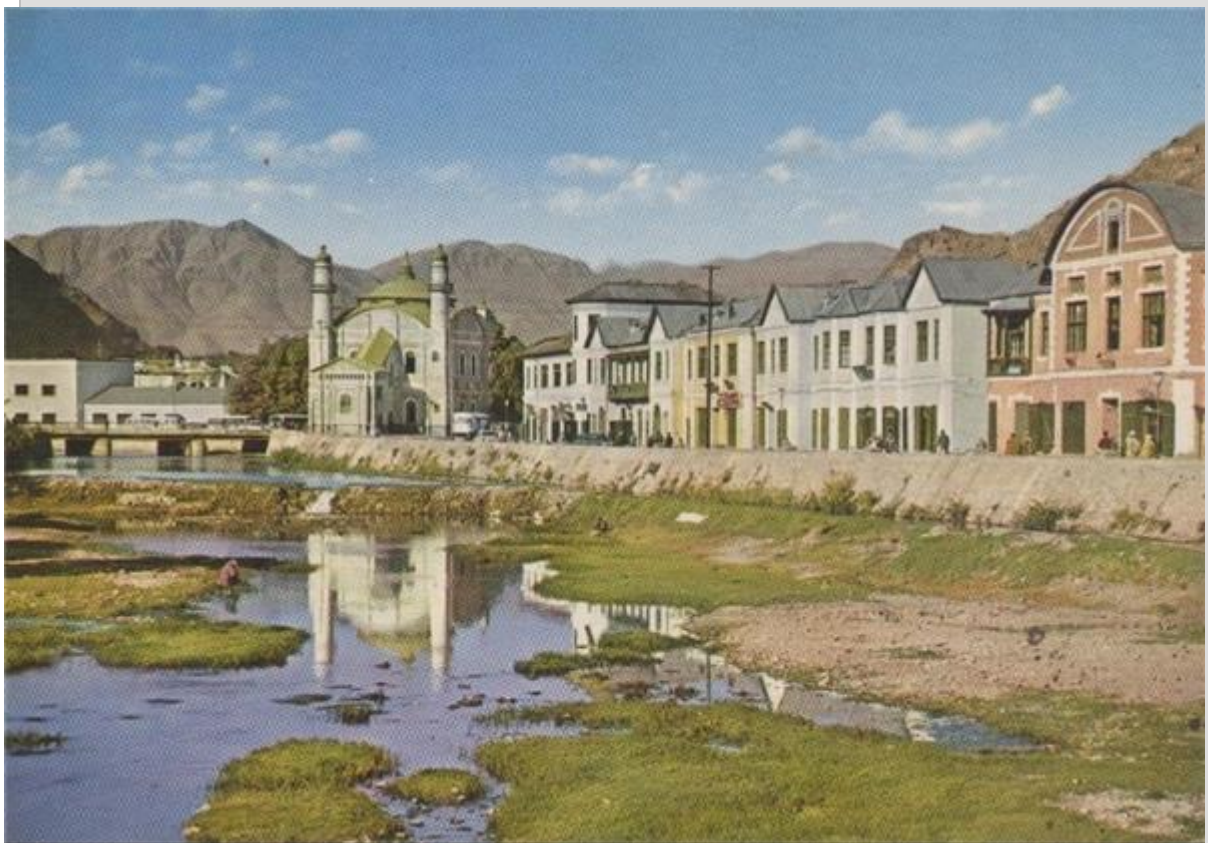
حصار اطراف شهر کابل که تا آن زمان همچنان استوار بود و با دیوارهای مستحکم و پایدارش در مقابل بیگانگان مقاومت کرده و بیگانه را از خود رانده بود به تدریج رو به ویرانی نهاد.



بر اثر جنگ‌های داخلی و بی‌توجهی دولت‌های وقت و تهاجم انگلیس‌ها دیوارهای این شهر از بین رفت که نشانه‌های آن تا هنوز در بلندی برخی از کوه‌ها نمایان است ولی از اطراف شهر محو شده است.

منازل مردم کابل در آن زمان از خشت خام ساخته شده بود و همه چوب پوش بوده و اکثر خانه‌ها در یک طبقه و در مساحت زیادی بنا می‌شد.

درب خانه مردم کابل اکثراً معرق‌کاری شده و کنده‌کاری شده بود و پنجره‌ها نیز با تکه‌های کوچک و ظریف چوب با مهارت خاص به هم پیوست می‌شدند که می‌توان آن را از شاهکارهای هنر آن روزگار به حساب آورد.



سقف منازل نیز در آن دوران گچکاری و پر از گل و برگ بود و دیوارها نیز با نقاشی‌ها و هنر آینه‌کاری آن زمان تزئین می‌شدند.

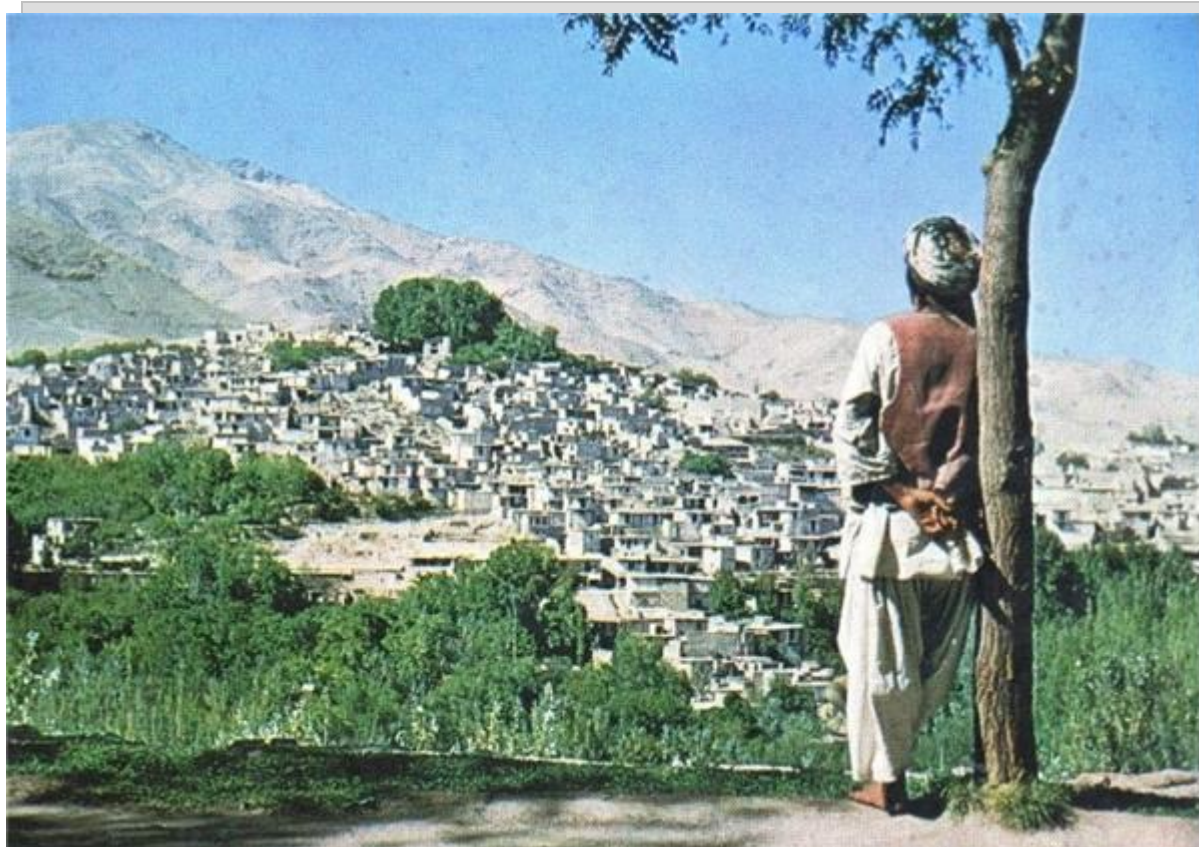
در منازل قدیم کابل، در اتاق‌ها تاقچه‌هایی با بهترین چینی‌های یشم درست می‌کردند و در هنگام زمستان روی تاقچه‌ها، انواع گل‌ها و میوه‌ها را می‌گذاشتند تا اتاق‌ها را معطر کنند.

بازارهای کابل قدیم که همه کنده‌کاری و آینه‌بندان بوده بسیار ستایش برانگیز بود و به گونه‌ای ساخته شده بود که در زمستان از برف و باران در امان بودند و در تابستان اثری از گرما نبود.

میدان کابل که به «چوک کابل» معروف بود و به اصطلاح نقطه پر کار شهر بود، هر گاه از شمال به جنوب و یا از شرق به غرب می‌رفتند کوتاه‌ترین راه و مرکز شهر چوک کابل بود.

کابل قدیم عیاران و پهلوانان بسیاری را به خود دیده است که در دامان این شهر باستانی پرورش یافته‌اند.

فاتحان، عیاران و جوانمردانی که پرچم این شهر را در مقابل بیگانگان بلند کرده بودند در کنار عارفان، دبیران، شاعران، خطاطان، هنرمندان، صنعتگران، و مشروطه‌خواهان این شهر را به یاد ماندنی و خاطره‌انگیز کرده است.



در کابل قدیم اقوام و ملت‌های مختلف زندگی می‌کردند و هر یک رسوم و سنت‌های جداگانه خود را داشتند.

به تدریج چنان اقوام مختلف به هم آمیختگی پیدا کردند و از رسوم و سنت‌های خوب یکدیگر سرمشق گرفتند که هیچ تفاوتی میان عرف و عادات آنها دیده نمی‌شد و چنان به هم آمیختند که یک ملت را تشکیل دادند.